

عنوان مقاله:

تحول جایگاه راهبرد موازنه سازی در سیاست خارجی چین؛ جستاری در سه بازه زمانی ساختار خراج گذاری (۱۸۰۰-۱۳۰۰)، جنگ سرد (۱۹۴۷-۱۹۹۱) و پساجنگ سرد (۲۰۲۱-۱۹۹۱)

محل انتشار:

فصلنامه روابط خارجی، دوره 13، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 38

نویسندگان:

محمدحسن شیخ الاسلامی - دانشیار گروه دیپلماسی و سازمان های بین المللی، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

مصطفی پاکدل مجد - دانش آموزخته کارشناسی ارشد مطالعات آسیای شرقی، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

خلاصه مقاله:

با نگاهی به رفتار سیاست خارجی چین در طول تاریخ، میتوان دریافت که تفوق مداوم و پایدار نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن کشور در پهنه شرقی آسیا، با بهره گیری از نظریه «موازنه قدرت» که تفوق دولتی بر سایرین را امری ناپایدار در نظام بین الملل قلمداد می کند، تبیین ناپذیر است. به همین منظور، پژوهش حاضر، این پرسش را مطرح می کند که «راهبرد موازنه سازی در سیاست خارجی چین در سه بازه زمانی ساختار خراج گذاری، جنگ سرد و پساجنگ سرد، چه جایگاهی داشته است؟» در پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با بهره گیری از «برداشت تئوریک تی وی پال» از نظریه موازنه قدرت و با تمسک به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، این فرضیه را ارائه می کند که در طول تفوق ساختار خراج گذاری بر پهنه شرقی آسیا، چین، اولاً با بهره برداری سیاسی از بازار بزرگ و ظرفیت های کلان اقتصادی خود، واحدهای سیاسی حاضر در شرق آسیا را نسبت به اجرای راهبرد موازنه سازی علیه خود منصرف می ساخت و ثانیاً بر آن بود تا با اجرای راهبرد شکاف افکنی، دیگر واحدها را از توسعه اتحادی ضدچینی باز دارد. در دوره جنگ سرد، چین - که از اقتصادی توسعه نیافته و عقب مانده رنج می برد- چاره ای جز پیشبرد موازنه سازی سخت علیه تهدیدات خارجی خود نمی دید و به همین منظور، ابتدا ایالات متحده و در گام بعدی، شوروی، برای اجرای موازنه سازی سخت از سوی آن کشور، هدف قرار گرفتند. در دوران پساجنگ سرد با رشد دوباره جایگاه چین در اقتصاد جهانی، حزب کمونیست، پیشبرد نوع نرم از راهبرد موازنه سازی را با بهره گیری از توانمندی های اقتصادی خود در اولویت سیاست خارجی جمهوری خلق قرار داد.

کلمات کلیدی:

چین، موازنه سازی، موازنه قدرت، وابستگی متقابل اقتصادی، تهدید

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1291637>

